مروی است از ابو سعید خدری رضی الله عنه که فرموده است رسول خدا اگر شخصی
ممتحن گردد و از موهه شود بغم و اندوه یا دام تا ظاهر گردد که سره است یا ناسره پس
باید که بخواند دعای مذکور را باید دانست که دین اگر چه وضع است که ثابت است
در ذمه مدیون لیکن اینجا شامل است بدل صرف را و مسلم فیه را و هر قرض را
که باشد و در حدیث است الدّین شینُ الدّین و در ایضا لا همّ الّا همّ الدّین
ولا وجع الّا وجع العین و مراد بهم غیر غم و اندوه و ام است از غمهای دنیا و مولا حنفی
گفته که هم عام است که در امور دنیا باشد یا در امور آخرت انتهی لیکن در
امور آخرت محمود است تعوذ از آن ناروا است و فرق میان هم و حزن آنست
که هم برای مستقبل است که نظیر خیر متوقع است که گاهی بوقوع آید یا نظر شر منتظر
که گاهی دفع خواهد شد و حزن برای ماضی است که حادث شد و قیل الهمّ الّذی یذیب
الانسان والحزن ما یحصل لفقد ما یشقّ علی المرء فقده و عجز ترک ضد است
که واجب الفعل است یا مستحسن تا خیر و کسل کاهلی است از فعل خیری که محمود است
با وجود قدرت و داعیه و لهذا حق تعالی در ذم منافقان فرموده است و اذا
قاموا الی الصّلوة قاموا کسالی پس اگر کسل و کاهلی از جهت بیماری یا ضعف
پیری باشد مذموم نیست و جبن خوف است از دشمن که مانع است محاربه را با او
یا حامل است بر موافقت با او خواه آن دشمن کافر صوری باشد یا کافر معنوی
که نفس و شیطان است و بخل امساک مال است یا علم وغیره از مستحق و غلبه دین
عبارت است از گرانی دین خواه حق خدا باشد خواه بندگان و در روایتی آنست
ضلع الدّین ضلع بفتحتین گرانی است که صاحب خود را از استقامت می اندازد
و خم میکند مروی است در مسند امام احمد و سنن ترمذی از انس رضی الله عنه انّ النّبی

الّا لاوجع

صلی الله علیه وسلم قال من قال یوم الجمعة اللّهمّ اغننی بحلالك عن حرامك
وبفضلك عمّن سواك سبعین مرّة لم تمرّ به جمعتان حتّی تغنیه الله
تعالی و قهر رجال عبارتست از غلبه بندگان مانند ستم پادشاه و حکام و مستدعان (?)
وغیره و قیل مراد بقهر هیجان نفس است از شدت شهوت جماع و اضافت آن
بسوی مفعول الی هنا یقال فی الصّباح والمساء جمیعًا ولکن یقال
فی المساء مکان اصبح امسی و مکان هذا الیوم هذه اللّیلة
و مکان التّذکیر التّانیث و مکان النّشور المصیر کما اثبتناه (?)
بالحمرة فوق کلّ کلمة ویزاد فی المساء فقط امسینا وامسی
الملك لله والحمد لله اعوذ بالّذی یمسك السّماء ان تقع
علی الارض الّا باذنه من شرّ ما خلق و ذرأ و برأ و
یزاد فی الصّباح فقط و اصبحنا و اصبح الملك لله والکبریاء
والعظمة والخلق والامر واللّیل والنّهار وما یضحی فیهما
لله وحده اللّهمّ اجعل اوّل هذا النّهار صلاحًا و اوسطه فلاحًا
و آخره نجاحًا اسألك خیر الدّنیا والآخرة یا ارحم الرّاحمین
خلق اندازه کردن و آفریدن از باب نصر ذرأ آفریدن از باب فتح
و منه الذّریّة بضم و تشدید یا همزه بمعنی نسل ثقلین کذا فی الصّحاح برأ آفریدن
از باب فتح و هو الباری بریّة بتشدید یا آفریدگان و در اصل بریئة بوده و قیل
بریّة از بری است که مهموز نیست بمعنی تراب است یقال براه الله ای خلقه من
البری صلاح بفتح نیکی ضد فساد و صلوح بالضم مصدر هم از باب نصر و کرم نیز فلاح
رستگاری و یافتن مراد و بقای همیشه بودن حیّ علی الفلاح ای اقبل علی النّجاة و قیل

الله